

## The Viewpoints of Saadi-researchers about Using Social Rules and Emphasis of Saadi on the Rules

**Abdollah Gholianaskari**

Ph.D. Student in Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

**Gholamreza Mastealiparsa\***

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

### Abstract

Iran is the cradle of literature, culture, and moral virtues. Giving importance to ethics has drawn the attention of poets and writers for a long time. There were poets who had a look at their society based on moral and social issues as a sociologist community. Saadi is one of those poets who have been in the lead in this area in comparison with his peers. He has also paid attention to the social pathologies like a conscious sociologist and expresses his teachings in a simple language for different groups of people. In this study, the social rules emphasized in Saadi's view were examined from the viewpoints of Saadi-researchers. In continuing to investigate this issue, researchers consider what is the most significant social issue highlighted by Saadi? Which social rules used by Saadi can be fit with the theories of sociology today? The intellectual foundations and the rights of Saadi citizenship are based on the three principles of humanity, justice, and government. He emphasizes such ideals as peace, tolerance, justice, and equality of human rights. Saadi believed in a sort of cooperation and social participation. He persuades people to cooperate more into the affairs of the government and persuades rulers to observe the rights of people and direct them to prosperity. One of the most frequent issues in the cultural and social context is Saadi's philosophy of philanthropy and humanism.

**Keywords:** Saadi Research, Rights and Social Rules, Saadi, Humanism.

---


\* Corresponding Author: mastali.parsa@gmail.com

**How to Cite:** The present paper is adapted from a Ph.D thesis on Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University.




## دیدگاه سعدی پژوهان ایرانی درباره حقوق و قواعد اجتماعی مورد استفاده و تأکید سعدی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی،  
تهران، ایران

عبدالله قلیان عسکری 

دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،  
ایران

غلامرضا مستعلی پارسا \*

### چکیده

ایران مهد ادب، فرهنگ و سجایای اخلاقی است. توجه به لزوم اخلاق از دیرباز مورد توجه شاعران و نویسندگان بوده است. در این میان شاعرانی بودند که با تکیه به نکات اخلاقی و اجتماعی به عنوان یک جامعه شناس به اجتماع اطراف خود نگاه می کردند. سعدی از آن دسته شاعرانی است که در این حیطه، گوی سبقت را از هم طرازان خود ربوده است. او همچون جامعه شناسی آگاه به ریشه یابی آسیب های اجتماعی می پردازد و آموزه های خود را به زبانی ساده برای اقشار مختلف مردم بیان می کند. در این پژوهش قواعد اجتماعی مورد تأکید سعدی از دیدگاه سعدی پژوهان بررسی شده است. در ادامه به بررسی این مسأله می پردازیم که پررنگ ترین مسأله جامعه شناسی مورد تأکید سعدی چیست؟ کدام قواعد اجتماعی مورد تأکید سعدی قابل تطبیق با نظریات جامعه شناسی امروز است؟ بنیان های فکری و حقوق شهروندی سعدی در سه اصل انسان، حق و عدالت و دولت استوار است. او بر آرمان هایی چون صلح، تساهل، عدالت و برابری حقوق انسانی تأکید می ورزد. سعدی به نوعی، تعاون و مشارکت اجتماعی را باور دارد؛ او مردم را به مشارکت بیشتر در امور حکومت ترغیب می کند و حاکمان را به رعایت حقوق مردم و رهنمون کردن آنها به سعادت ترغیب می کند. یکی از پربسامدترین موضوعات در زمینه فرهنگی و اجتماعی آثار سعدی، بشردوستی و اومانیسیم است.

کلیدواژه ها: سعدی پژوهی، قواعد اجتماعی، جامعه شناسی، سعدی.

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی است.

\* نویسنده مسئول: mastali.parsa@gmail.com

## مقدمه

بسیاری از آثار ادبی نویسندگان و شاعران برجسته ایران با وجود آفرینش‌های ادبی، برگرفته از ذهن جمعی دوران خود هستند؛ از این رو، محتوا و درون‌مایه‌های اجتماعی آنان محصول افق فکری و فرهنگی جامعه و زمانه خود است.

در میان آثار بزرگ ادب فارسی، گلستان و بوستان به جهت پرداختن به بسیاری از مسائل اجتماعی موجود در روزگار خود و به دلیل بازگو کردن واقعیت‌های موجود جامعه، جزء آثار شاخص زبان فارسی هستند. غلامحسین یوسفی در مقدمه تصحیح گلستان خود می‌نویسد: «گلستان تجلی اوضاع اجتماعی عصر سعدی است» (یوسفی، ۱۳۶۸). زرین کوب نیز می‌گوید: «سعدی در بوستان دنیا را آن‌گونه که باید باشد تصویر می‌کند و در گلستان، جامعه عصر خود را آن‌گونه که هست، وصف می‌کند» (زرین کوب، ۱۳۷۹). بنابراین، در هر دو اثر، سخن از اجتماع و مسائل پیرامون آن است. سعدی بیش از هر شاعر و نویسنده دیگر به اجتماع، افراد و مسائل پیرامون جامعه، دقت نظر داشته است و «با انتقاد از نقاط ضعف و زوایای تاریک اجتماعی به همگان درس بهتر زندگی کردن می‌دهد و طریقت عبادت را در خدمت خلق می‌داند» (بامداد، ۱۳۷۷). در واقع آثار سعدی چون کارهای دیگر بزرگان علم، ادب، فرهنگ، تاریخ، فلسفه، سیاست و...، بازتابی است از کشاکشی که جامعه‌اش درگیر آن بوده یا راه‌حل و پاسخی است برای آن و آثارش را که تا به حال بیشتر به جنبه ادبی آن توجه می‌شد به یک اثر اجتماعی و یا سیاسی تبدیل می‌کند. بررسی باریک‌بینانه نشان می‌دهد که سعدی برداشت بسیار پیچیده‌ای از نقش انسان در اجتماع دارد. او معتقد است که انسان آزاد است و حق تصمیم‌گیری دارد.

گلستان و بوستان سعدی دایرة‌المعارفی از نظریه‌های جامعه‌شناسی است. در دو باب آخر این شاهکار ادبی به بیش از ۹۰ مورد مسائل اخلاقی، اجتماعی، انسانی و تربیتی اشاره شده است.

سعدی با استفاده از تمام ابزارها و شگردهای کلامی و بهره‌گیری از آموزه‌های انسان‌مدارانه می‌خواهد به جامعه بشری این نکته را تفهیم کند که نیازی به آزار و رنجش همدیگر نیست و تا آنجا که مقدور است باید در رفع نیاز و آلام بشری کوشید. «سعدی با به رسمیت شناختن انسان و هویت‌بخشی به او در آثارش، سعی در برقراری

اعتدال اجتماعی در جامعه داشت و از این رهگذر گام اساسی در خصوص ارتقای فرهنگ انسانی و گسترش احساس فردیت و هویت و وصف واقعیت احساس و عاطفه اجتماعی مردم برداشت» (عبادیان، ۱۳۷۲).

در این پژوهش ابتدا به دیدگاه‌های اجتماعی سعدی اشاره‌ای کوتاه شده است، سپس به ذکر نظرات سعدی پژوهان در مورد این مسائل پرداختیم و در پایان به جمع‌بندی نکات مهم و بیان پژوهش‌های صورت گرفته پرداخته می‌شود.

### ۱. پیشینه پژوهش

اگرچه آثار و مقالات زیادی درباره سعدی و آثارش به رشته تحریر درآمده است، اما پژوهش کاملی در خصوص موضوع این پژوهش و مطابق با اهداف این مقاله ارائه نشده است. برخی از مطالعات صورت گرفته مرتبط با موضوع پژوهش حاضر در ادامه ارائه شده است.

رضا آزادپور (۱۳۹۰) در مقاله «رعایت حقوق اجتماعی از دیدگاه سعدی» بر آن است تا پدیده‌های رعایت حقوق شهروندی، مفهوم حقوق و عدالت‌خواهی در گلستان و احقاق حق در بوستان سعدی را تشریح کند.

نورعلی مظاهری (۱۳۸۷) در مقاله «حقوق شهروندی از دیدگاه سعدی» به بیان ویژگی‌ها و شاخصه‌های حقوق شهروندی از نظر سعدی، نظیر عدالت، تعاون و انتقاد از حاکمان ظالم می‌پردازد و بیان می‌کند که سعدی، اخلاقی را که از امور روزمره استنتاج شده، ترویج می‌کند.

غلامحسین یوسفی (۱۳۵۰) در مقاله «جهان مطلوب سعدی» به بیان ویژگی‌های مدینه فاضله سعدی در بوستان می‌پردازد و نشان می‌دهد که سعدی بسیار پیشروتر از عصر خود بوده و چنان می‌اندیشیده که بسیاری از افکار حقوق شهروندی او مورد قبول بشریت روزگار ما است.

هدایت‌الله ستوده (۱۳۹۹) در کتاب «آسیب‌شناسی اجتماعی» با روش‌های علمی به مطالعه انحراف اجتماعی پرداخته و تلاش می‌کند این مطلب را مشخص کند که چه نوع رفتاری به عنوان انحراف اجتماعی تعریف می‌شود؟ چه کسی آن را تعریف می‌کند؟ چگونه و چرا مردم منحرف می‌شوند؟

## ۲. روش پژوهش

این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و به صورت تحلیلی-مقایسه‌ای و توصیفی انجام گرفته است و به بررسی و تحلیل حکایت‌های گلستان و بوستان از نگاهی تازه و کاربردی می‌پردازد. تردیدی نیست که بررسی و پرداختن به مسائل اجتماعی که در شعر و نثر فارسی مطرح شده به شیوه تخصصی آن به معنای امروزی نیست، بلکه معمولاً طرح این مسائل به سبب مشاهدات عینی بزرگان نظم و نثر بوده که در آثار آنان انعکاس یافته است و این مقاله قرائت جدیدی از گلستان و بوستان مطابق با مسائل و مقررات اجتماعی زمانه است.

## ۳. بحث اصلی و یافته‌ها

### ۳-۱. اوضاع اجتماعی عصر سعدی

گلدمن<sup>۱</sup> (۱۳۸۲) در کتاب جامعه‌شناسی ادبیات بیان می‌کند: «یک اثر ادبی بازتاب صرف یک آگاهی جمعی واقعی و معین نیست، بلکه گرایش‌های خاص آگاهی گروه اجتماعی معینی را برجسته و هماهنگ می‌کند و البته این آگاهی جمعی را باید واقعیتی پویا دانست که به سمت نوعی تعادل پیش می‌رود». بنابراین، برای بررسی و تحلیل گلستان سعدی باید به پیشینه آگاهی واقعی و در نهایت به آگاهی ممکن آن زمان مراجعه کنیم.

اوضاع اجتماعی عصر سعدی را نمی‌توان بدون در نظر آوردن یک فضای نظری به تصویر کشید. از این منظر، نه فقط زمانه سعدی و حمله اعراب و مغول که شاید دو واقعه مهم تاریخ ایران باشد، بلکه با در نظر گرفتن بی‌ثباتی دائمی و سیر قهقرایی تاریخ و فرهنگ ایران، موقعیت خاص جغرافیایی آن و خصوصیات شرایط زیست محیطی فلات ایران، شرایط را به گونه‌ای رقم زده‌اند که هر تحلیلی درباره هر یک از دوره‌های تاریخ ایران باید در این فضا دیده و تحلیل شود.

بخش اعظم زندگی سعدی در دوره پر آشوب و بحرانی استیلای مغول قرار دارد. بدیهی است که در فضای نابسامان اجتماعی آن عصر، اخلاقیات به شدت تنزل کرده و تأکید به اصول اخلاقی توسط سعدی، خود از این وضعیت مایه می‌گیرد. استیلای مغول و بعدها تیموری‌ها خود مایه نومیثی اجتماعی خلق‌الله، صوفی‌مآبی (نه عرفان) آن‌ها و رونق این

1- Goldman, L.

بازار بود. به هر حال، علت‌ها هرچه باشد، واقعیت این است که در این دوره، زهدفروشی، ریا و سودجویی از ساده‌لوحی عوام، رونق بسزا دارد. هم در میان عرفا و هم در بین علما، هر دو گروه، کیا بیایی دارند و در کار ملک و ملت بی‌دخالت نیستند. نشانی از این علما و صوفیان از این «مشتی ریاست جوی رعنا» را در موش و گربه و دیگر آثار عبید زاکانی و دیوان خواجه می‌بینیم که قاضی و مفتی و فقیه و محتسب همه از یک قماش و سر ته یک کرباسند (مسکوب، ۱۳۷۳).

موحد (۱۳۷۴) اوضاع فرهنگی و وضعیت اخلاق مردم عصر سعدی را وجه مخالف پندیات سعدی می‌داند که در آن همه طبقات و اقشار اجتماعی به گونه‌ای مستوجب نقد و طعن سعدی‌اند؛ اگر وارد شهری شوید که بر تمام در و دیوارهای آن در خدمت دزدی و نکوهش دزدان با انواع خطوط شکسته و نستعلیق به نثر و نظم داد سخن داده باشند، چه فکر خواهید کرد؟ به نظر شما کار از جایی خراب نیست؟ وقتی سعدی خطاب به امیرمقتدر فارس، انکیانو می‌گوید:

حرامش باد مُلک و پادشاهی      که پیشش مدح گویند از قفا ذم  
(سعدی، ۱۳۶۸)

یا دربارهٔ عابدان می‌نویسد:

پارسایان روی در مخلوق      پشت برکعبه می‌کنند نماز  
(همان)

یا از زبان فقیه دربارهٔ واعظان می‌گوید:

ترک دنیا به مردم آموزند      خویشان سیم و غله‌اندوزند  
(همان)

و از این گونه طعن و انتقاد در باب همهٔ انواع و اصناف مردم فراوان در کار می‌آورد، آیا نشانه آن نیست که در کمتر جینی نور رستگاری می‌دیده است؟ یک‌جا هم که دیگر خلقش حسابی تنگ شده بود، بقیة‌السیف حملهٔ مغولان را این گونه مورد عنایت قرار داده است:

رحم‌الله مشعر الظالمین      که به مردی قدم سپردندی  
راحت جان بندگان خدای      راحت جان خود شمردندی  
کاش، آنان چون زنده می‌نشوند      باری این ناکسان بمردندی

آنچه دربارهٔ زمانهٔ سعدی آوردیم شاید بتواند زمینهٔ اجتماعی این همه پند و اندرزگویی و دل‌تنگی و آزرده‌خاطری سعدی را نشان دهد (موحد، ۱۳۷۴).

بنابراین تباهی اخلاق مردم، سعدی را وامی‌دارد که نقد خود از اوضاع زمانه را از طریق حکایت پندآموز بیان کند: «دورهٔ استقرار مغول دورهٔ متملقان و چاپلوسان و تقرب‌جویان به خان و رواج توطئه، دسیسه و ناجوانمردی است. در این دوران کمتر آدم‌کاردان و مدیری است که قربانی توطئه نشده و به مرگ طبیعی مرده باشد» (موحد، ۱۳۷۴).

ناپایداری زمانهٔ سعدی که وجه مشترک همه شئون و طبقات اجتماعی است در دو بیت زیر به خوبی توصیف شده است:

جهان بگشتم و آفاق سربه‌سر دیدم      به مردمی که گر از مردمی اثر دیدم  
کسی که تاج زرش بود در صبح به سر      نماز شام ورا خشت زیر سر دیدم

### ۳-۲. ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در گلستان و بوستان براساس دیدگاه‌های

#### پژوهشگران معاصر

هنجار یکی از مفاهیم اصلی و مرکزی در علم جامعه‌شناسی است. در حقیقت باید گفت که هنجارها عواملی هستند که روابط اجتماعی را تنظیم می‌کنند و نظم اجتماعی را در جامعه به وجود می‌آورند. شاید بتوان از هنجارها به «توتم و تابو» تعبیر کرد؛ یعنی شایست و نشایست. افعالی که تمام سعی سعدی در گلستان و بوستان در به تصویر کشیدن این دو فعل خلاصه شده است. به عبارت دیگر، باید گفت، هنجار و نقطه مقابل آن؛ نابهنجار. هنجارها را می‌توان به درونی و بیرونی تقسیم کرد. «هنجارهای درونی، هنجارهایی هستند که ما آن‌ها را درونی کرده‌ایم و کسی به ما دربارهٔ آن، قاعده یا دستور نداده است و ما با میل خود آن را رعایت می‌کنیم. هنجارهای بیرونی آن هنجارهایی هستند که از بیرون از

جانب یک قدرت مافوق برای اعضای جامعه به صورت نوشته در قالب قوانین و آیین نامه‌ها تعیین شده است» (رفیع پور، ۱۳۸۰).

براین اساس می‌توان گفت در جامعه سالم، هنجارها پایدارتر هستند. براساس آنچه درباره هنجار گفته شده است، می‌توان نمونه‌های فراوانی را در آثار سعدی به ویژه گلستان مشاهده کرد.

در یک نگرش عمیق به منظومه فکری سعدی می‌توان گفت: «او چون روانشناس اجتماعی، ژرفای فکری و عمق روانی جامعه عصر خود را شناخته بود و بر آن بود تا با برجسته نشان دادن رفتارها و هنجارهای پسندیده و طرد اعمال ناشایست، پایه‌های یک جامعه سالم و آرمانی را با افکار و اندیشه‌های انسان دوستانه و خدامحورانه خود، تحکیم کند و با تشویق جامعه و به ویژه حاکمان قدرت در خصوص خدمت‌رسانی به خلق و هم‌شان دانستن آن با عبادت، گام‌های بزرگی در تسکین آلام جامعه انسانی بردارد» (کوثری، ۱۳۷۹).

به نظر می‌رسد از میان شاعران کلاسیک زبان فارسی، سعدی بیش از همه از معرفت جامعه‌شناسی برخوردار باشد. در آثار وی از همه اقشار مردم، خلق و خو، طریقت، شیوه زندگی و... صحبت به میان آمده است. اگر با تأمل بیشتری به گلستان و بوستان توجه کنیم، او را جامعه‌شناسی خواهیم یافت که نه تنها در زمان خود که تا امروز هم نگاه جامعه‌شناسانه او باعث اعجاب می‌شود.

نقد سعدی از اجتماع خود، حکایت از شناخت عمیق و دقیق او از شرایط اجتماع خود دارد. یکی از دلایل اصلی این شناخت، مسافرت‌های او است که وی را واداشته تا با تمام اقشار مردم زندگی کند. در حقیقت گلستان و بوستان مجموعه‌ای از تجربیات و مشاهدات جامعه‌شناسانه سعدی است. «سعدی در این کتاب انسان را با دنیای او و با همه معایب و محاسن و با تمام تضادها و تناقض‌هایی که در وجود اوست، تصویر می‌کند. در دنیای گلستان، زیبایی در کنار زشتی و اندوه در پهلوی شادی است. سعدی چنین دنیایی را که پر از تناقض و تضاد و سرشار از شگفتی و زشتی است در گلستان خویش توصیف می‌کند. نظر سعدی آن است که دنیا و انسان را آنچنان که هست توصیف کند نه آنچنان که باید باشد» (زرین کوب به نقل از یوسفی، ۱۳۶۹).



در گلستان سعدی «آنچه باید با شد» که در زبان جامعه‌شناسی می‌تواند تعبیر به ارزش اجتماعی شود و «آنچه هست» یا واقعیات اجتماعی و رفتاری - که می‌تواند در مفهوم هنجارهای اجتماعی تعریف شود- ترکیبی حیرت‌انگیز و همراه و همگام دارند. گلستان نه چون بوستان کتابی است با تأکید بر جامعه آرمانی سعدی و نه کتابی است یکسر از ارزش‌های اجتماعی و جامعه آرمانی عاری، بلکه ترکیب خاص و آرزوی سعدی و جامعه آرمانی وی در کنار بیان واقعیات جاری از گلستان کتابی دو وجهی ساخته است که خواننده یا خوانندگان آن، هم به رفتار مورد پذیرش پی می‌برند و هم حد‌نهایی و ایده‌آل رفتار و جهت‌گیری اخلاقی و انسانی را در می‌یابد.

آنتونی گیدنز<sup>۱</sup> (۱۳۸۶) معتقد است تأمل‌گری اجتماعی به این واقعیت اشاره می‌کند که ما مجبوریم پیوسته و بی‌وقفه دربارهٔ اوضاع و شرایط زندگی‌مان فکر یا تأمل کنیم. در ایامی که جوامع بشری به رسم و سنت بستگی بیشتری داشتند، مردم می‌توانستند از روش‌های مرسوم و ثابتی پیروی کنند که کارها را به شیوهٔ غیرتأمل‌تری به انجام می‌رساند. گیدنز با طرح کردن نظریهٔ تأمل‌گری اجتماعی، توانسته است بیش از هر نظریه‌پرداز دیگری به صورت ناخودآگاه روی تک‌تک افراد جامعه تأثیر بگذارد، چراکه اندیشیدن مداوم به اوضاع و شرایط زندگی، دغدغهٔ فکری بشر امروز است.

سعدی در سرتاسر گلستان با طرح کردن حکایت‌های دل‌انگیز، انسان آن زمان و امروزی را به تأمل وامی‌دارد. گلستان نه یکسر کتابی است برای نخبگان و خواص و نه یکسر کتابی است برای عوام؛ اگرچه منتقدینی از جمله اسماعیل خویی بر وجه عامه‌پسندی گلستان تأکید کرده‌اند، زبان روان و سبک نگارش سعدی که با ظرافت، پیچیدگی‌های روان و رفتار آدمی را تصویر می‌نماید، ایشان را به چنین خطایی در ارزیابی از مخاطبان گلستان رسانیده است. اشتراک مضمونی در طبقات مختلف، این اثر را اثری فراطبقاتی کرده است (گیدنز، ۱۳۸۶).

نظریهٔ کارکردگرایی تالکت پارسونز<sup>۲</sup> بسیار معروف است؛ منظور از کارکرد در جامعه‌شناسی، مجموعه فعالیت‌هایی است که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد. پارسونز با توجه به این تعریفی که از کارکرد ارائه شده، معتقد است که چهار

---

1- Gidenz, A.

2- Parsons, T.

تکلیف وجود دارد که برای همه نظام‌ها ضرورت دارند: ۱- تطبیق: یعنی هر نظامی باید خودش را با موقعیتی که در آن قرار گرفته، تطبیق دهد. به عبارت دیگر، باید محیط را با نیازهای خویش سازگار کند. ۲- دستیابی به هدف: یعنی یک نظام باید هدف‌های اصلی‌اش را تعیین کند و به آن‌ها دست یابد. ۳- یکپارچگی: یعنی هر نظام باید روابط متقابل سازنده‌اش را تنظیم کند و به رابطه میان چهار تکلیف کارکردیش سروصورتی بدهد. ۴- سکون یا نگهداشت الگو: هر نظام باید انگیزش‌های افراد و الگوهای فرهنگی آفریننده و نگهدارنده این انگیزش‌ها را ایجاد، نگهداری و تجدید کند (ریترز<sup>۱</sup>، ۱۳۹۲). از نظر پارسونز، یک نظام اجتماعی از مجموعه‌ای از کنشگران فردی ساخته می‌شود که در موقعیتی که دست کم جنبه‌های فیزیکی یا محیطی دارد با یکدیگر کنش متقابل دارند (همان).

وقتی حکایت سوم از باب اول گلستان (در سیرت پادشاهان) را می‌خوانیم آن را مطابق با آرای جامعه‌شناسی تالکت پارسونز می‌یابد، چرا که کارکردگرایی پارسونز، مجموعه فعالیت‌هایی است که برای برآوردن نیازهای یک نظام انجام می‌گیرد. در این حکایت ملکشاده‌ای کوتاه قد و حقیر به عنوان یک کنشگر از مجموعه کنشگران (شاهزادگان بلندقامت و خوب‌روی) در قبال وظیفه‌ای که به او محول شده بود، احساس مسئولیت کرد و توانست بر دشمن پیروز شود. در بخش تطبیق از چهار تکلیف پارسونز در این حکایت گلستان مشاهده می‌شود: «... وقتی دشمنی صعب روی نمود. چون لشکر از هر دو طرف روی در هم آوردند اول کسی که اسب در میدان جهانید این پسر بود و گفت:

آن نه من باشم که روز جنگ بینی پشت من  
آن منم گر در میان خاک و خون بینی سری  
کان که جنگ آرد به خون خویش بازی می‌کند  
روز میدان، وان که بگریزد به خون کشوری»

(سعدی، ۱۳۶۹)

جوان خودش را با برترین نیاز نظام؛ یعنی دفاع از نظام، تطبیق داد و در برابر دشمن جامه رزم پوشید.

---

1- Writzer, J.

در حکایت ۷ از صفحه ۸۹ باب دوم گلستان با پدری روبه‌رو می‌شویم که جوان خود را به خویش‌تن‌داری و عیب‌جویی نکردن از مردم نصیحت می‌کند. در واقع، سعدی در حکایت‌هایی که به زبان اول شخص مفرد نقل می‌کند به عنوان دانای کل، فضای جامعه را ترسیم می‌کند. بعد به عنوان جامعه‌شناسی که درد جامعه را تشخیص داده باشد، نسخه شفابخشی می‌پیچد. در این حکایت، نسخه‌ای که برای این جوان پیچیده شده این است که: «جان پدر تو نیز اگر بخفتی به که در پوستین مردم افتی». سعدی با گفتن این جمله، پسرش را از رفتاری نابهنجار و منحرف - و آن غیبت کردن و عیب‌جویی کردن از دیگران است - بازداشته است. در دو بیت پایانی حکایت، گویا سعدی وظیفه پدری خویش را انجام داده و خطاب به کل جامعه سخن می‌گوید:

نپیند مدعی جز خویش‌تن را      که دارد پرده‌ی پندار در پیش  
گرت چشم خدابینی ببخشند      نپینی هیچ کس عاجز تر از خویش

بر اساس آنچه درباره‌ی هنجار گفته شده است، می‌توان نمونه‌های فراوانی در آثار سعدی مشاهده کرد، در زیر به برخی از آن‌ها که بیشتر مورد تأکید سعدی بوده اشاره می‌شود.

### ۱-۲-۳. حرمت نهادن به معلم و بزرگ‌تر (حکایت ۲۷، باب اول گلستان)

«یکی در صنعت کشتی گرفتن سر آمده بود، سیصد و شصت بند فاخر بدانستی و هر روز به نوعی از آن کشتی گرفتی. مگر گوشه خاطرش با جمال یکی از شاگردان میلی داشت سیصد و پنجاه و نه بندش در آموخت مگر یک بند که در تعلیم آن دفع انداختی و تأخیر کردی. فی‌الجمله پسر در قوت و صنعت سر آمد و کسی را در زمان او با او امکان مقاومت نبود تا به حدی که پیش ملک آن روزگار گفته بود استاد را فضیلتی که بر من است از روی بزرگی است و حق تربیت و گرنه به قوت ازو کمتر نیستم و به صنعت با او برابرم ملک را این سخن دشخوار آمد فرمود تا مصارعت کنند.

استاد بدان بند غریب که از وی نهان داشته بود با او در آویخت پسر دفع آن ندانست به هم برآمد، استاد به دو دست از زمینش بالای سر برد و فرو کوفت. ملک فرمود استاد را خلعت و نعمت دادن و پسر را زجر و ملامت کرد که با پرورده‌ی خویش دعوی مقاومت کردی و به سر نبردی گفت ای پادشاه روی زمین بزور آوری بر من دست نیافت بلکه مرا

از علم کشتی دقیقه‌ای مانده بود و همه عمر از من دریغ همی داشت امروز بدان دقیقه بر من غالب آمد.

گفت از بهر چنین روزی که زیرکان گفته‌اند دوست را چندان قوت مده که اگر دشمنی کند تواند، نشنیده‌ای که چه گفت آنکه از پرورده خویش جفا دید؟

یا وفا خود نبود در عالم      یا مگر کس در این زمانه نکرد  
کس نیاموخت علم تیر از من      که مرا عاقبت نشانه نکرد

اگرچه سعدی در پایان این دست از حکایات به نتایجی که منظور اوست، اشاره می‌کند، خواننده حکایت را نیز به تأمل وامی‌دارد که هیچ‌گاه چنین رفتار نابهنجاری از او سر نخواهد زد. در حقیقت اینگونه رفتار شاگرد نسبت به معلم، نوعی انحراف خواننده می‌شود. در تعریف انحراف گفته شده است: «هرگونه رفتاری که با چشم‌داشت‌های جامعه یا گروه معینی در داخل جامعه تطبیق نداشته باشد» (کوئن<sup>۱</sup>، ۱۳۷۸).

### ۲-۲-۳. ریاستیزی (حکایت ۶، باب دوم گلستان)

سعدی به زیبایی پرده از روی ریاکاران برمی‌دارد و چهره واقعی آنان را نشان می‌دهد. «زاهدی مهمان پادشاهی بود. چون به طعام بنشستند، کمتر از آن خورد که ارادت او بود و چون به نماز برخاستند، بیش از آن کرد که عادت او تا ظن صلاحیت در حق او زیادت کنند.

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی      کین ره که تومی روی به ترکستانست

چون به مقام خویش آمد، سفره خواست تا تناولی کند. پسری صاحب فراست داشت. گفت: ای پدر باری به مجلس سلطان در، طعام نخوردی؟ گفت: در نظر ایشان چیزی نخوردم که به کار آید. گفت: نماز را هم قضا کن که چیزی نکردی که به کار آید.

---

1- Coen, B.

ای هنرها گرفته بر کف دست عیب‌ها برگرفته زیر بغل  
تا چه خواهی خریدن ای مغرور روز درماندگی به سیم دغل»  
(کوئن، ۱۳۷۸)

بسیاری از اسامی که سعدی برای باب‌های کتاب گلستان و بوستان خود برگزیده است در حقیقت ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هستند که وی به عنوان یک مبلغ قصد دارد آن‌ها را رواج دهد. باب‌هایی مثل «در فضیلت قناعت» باب سوم از گلستان یا «در فواید خاموشی» باب چهارم از گلستان. این ویژگی در بوستان نمود بیشتری دارد. باب‌های «عدل، تدبیر، رأی، باب احسان، تواضع و تربیت».

### ۳-۳. قواعد اجتماعی مورد تأکید سعدی

#### ۳-۳-۱. نابرابری‌های اجتماعی

یکی از ویژگی‌های اساسی جامعه بشری در طول تاریخ، وجود نابرابری‌های اجتماعی است. همیشه عده‌ای به واسطه دارا بودن برخی ویژگی‌ها و امتیازات، برتر و برخی به دلیل نداشتن آن ویژگی‌ها و امتیازات، فروتر بوده‌اند. نخستین نابرابری‌ها، عمدتاً مبتنی بر ویژگی‌های جسمی و زیستی بوده‌اند. برخی افراد که نسبت به دیگران باهوش‌تر، قوی‌تر، زیباتر و سالم‌تر بودند این بخت را داشتند که در جایگاه والاتری قرار گیرند (خدابنده‌لو، ۱۳۷۲). به تدریج این ویژگی‌های جسمی و زیستی به عوامل دیگری همچون جنسیت، سن، نژاد، مذهب، قومیت، دارایی و... تعمیم یافت و تفاوت‌های گسترده‌ای در بین افراد پدید آمد.

جامعه‌شناسان برای توصیف نابرابری‌هایی که در جوامع بشری، میان افراد و گروه‌ها، وجود دارد از مفهوم قشربندی اجتماعی<sup>۱</sup> استفاده می‌کنند و معتقدند نظام‌های برده‌داری<sup>۲</sup>، کاستی<sup>۳</sup>، رسته‌ای<sup>۴</sup> و طبقه‌ای<sup>۵</sup> چهار شکل عمده قشربندی اجتماعی هستند که در طول تاریخ، در جوامع بشری ظاهر شده‌اند (گیدنز، ۱۳۸۶). به زعم آنان، در تمام جوامع بشری،

1- Social Stratification

2- Slavery

3- Caste

4- Estate

5- Class

نظامی از سلسله مراتب اجتماعی وجود دارد که افراد را رتبه‌بندی می‌کند. هر چه افراد در این سلسله مراتب عمودی، جایگاه بالاتری داشته باشند، دستیابی بیشتری به امکانات و منابع جامعه دارند و هر چه جایگاه فروتری داشته باشند، دستیابی کمتری به منابع و امکانات جامعه پیدا می‌کنند (چیتامبار<sup>۱</sup>، ۱۳۷۳).

قشربندی اجتماعی یا نظام نابرابری‌های اجتماعی به عنوان واقعیتی عینی و ملموس در طول تاریخ در جامعه بشری وجود داشته و اندیشمندان اجتماعی به طرق مختلف به انعکاس آن پرداخته‌اند. شاعران و نویسندگان ادبی نیز در آثار خویش به این پدیده اجتماعی توجه داشته‌اند. سعدی، شاعر بلندآوازه قرن هفتم نیز به ویژه در کتاب گلستان - که توصیفی دقیق از جامعه قرن هفتم است - به قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی توجه کرده است که با توجه به دوره حساسی که سعدی در آن زندگی می‌کند، شناخت این پدیده در آثار او حتی می‌تواند گره‌گشای برخی سؤالات مهم تاریخی باشد. بر این اساس، سعدی پژوهان قشربندی اجتماعی را در گلستان سعدی، بررسی و ضمن ارائه چشم‌اندازی روشن نسبت به نابرابری‌های اجتماعی و نظام قشربندی در جامعه قرن هفتم، دیدگاه سعدی را نیز در این مورد آشکار می‌کنند. بر اساس نتایج تحقیق، سعدی، نگاه جامعی به قشربندی اجتماعی داشته و از نود قشر اجتماعی مختلف نام می‌برد. علاوه بر این، نگاه او به قشربندی، مبتنی بر رویکرد کارکردگرایانه است و همواره تلاش می‌کند این رویکرد را بر اخلاقیات استوار سازد.

نکته اساسی در رویکرد کارکردگرایانه سعدی به قشربندی اجتماعی که حتی باعث می‌شود نقاط ضعف نظریه کارکردگرایی در تبیین قشربندی اجتماعی؛ یعنی سوءاستفاده ثروتمندان و قدرتمندان از منابع و امکانات جامعه (رابرتسون<sup>۲</sup>، ۱۳۷۴) نیز کم‌رنگ جلوه کند، نگاه اخلاقی او به قشربندی اجتماعی است. سعدی در بیان قشربندی اجتماعی، علاوه بر تشریح وظایف و کارکردهای هر قشر اجتماعی، قائل به این است که این وظایف و کارکردها مبتنی بر یک نظام اخلاقی باید باشد؛ مثلاً او در بیان کارکردهای عالمان می‌نویسد: «علم بی عمل، همچون زنبور بی عسل است که نیش دارد و نوش ندارد» و در جایی دیگر تصریح می‌کند: «عالم بی دانش، همچون خر آسیا است که بر گرد خود می‌گردد» و یا در بیان کارکردهای مبتنی بر اخلاق حکام می‌نویسد:

1- Chitambar, G.B.

2- Robertson, Y.

ای زبردستت زیبر دستت آزار گرم تا کی بماند این بازار؟  
به چه کار آیدت جهان داری؟ مردنت به! که مردم آزاری

بررسی مباحث اجتماعی و از جمله قشربندی اجتماعی در آثار سعدی به دو دلیل از اهمیت زیادی برخوردار است: اول اینکه سعدی در نگارش، واقع‌گرا بود (جمالزاده، ۱۳۶۴) و به ویژه در کتاب گلستان به دنبال این بود که تصویری دقیق و واقعی از دنیای اجتماعی عصر خویش ترسیم کند. دوم این که سعدی در آستانه مهم‌ترین تحول سیاسی اجتماعی قرن هفتم؛ یعنی حاکمیت قوم مغول بر ممالک اسلامی و سقوط عباسیان و پایان عمر امپراتوری بزرگ اسلامی می‌زیست.

وی به خوبی دریافته که اجتماع، چیزی جز مجموعه‌ای از قشرها نیست. بنابراین، در موارد بسیاری شاهد نگاه ژرف او بر اقشار و کارکردهای آنان هستیم؛ «خواهنده مغربی در صف بزازان حلب می‌گفت: ای خداوندان نعمت! اگر شما را انصاف بودی و ما را قناعت، رسم سؤال از جهان برخاستی» (خزائلی، ۱۳۶۳).

سعدی به جایگاه هر قشر که با توجه به کارکرد و حرفه خود به آن دست یافته نیز پرداخته و در حقیقت به آسیب‌شناسی اقشار توجه داشته است؛ مثلاً دانشمند (فقیه) نباید رفتاری خارج از حدود و باور حرفه‌ای خود داشته باشد؛ زیرا در این صورت، قشر وی که مبین درجه اجتماعی است، خدشه می‌یابد: «دانشمندی را دیدم به کسی مبتلا شده و رازش از پرده بر ملاً افتاده. جور فراوان بردی و تحمل بیکران کردی. باری به لطافتش گفتم: دانم که تو را در مودت این منظور علتی و بنای محبت زلتی نیست. با چنین معنی، لایق قدر علما نباشد خود را متهم گردانیدن و جور بی‌ادبان بردن...» (همان). این نگرش را در حکایت شماره پنج که محور آن معلم و دانش‌آموز است در باب پنجم (همان) نیز می‌توان دید.

بیشتر حکایت‌های باب‌های اول و دوم گلستان نوعی نقد و آسیب‌شناسی از قشر حاکم و رعیت است. سعدی به توان و مایه درونی انسان‌ها که قشر آنان را رقم می‌زند، باور دارد. به عبارت دیگر، هرکسی را بهر کاری ساخته‌اند. وی سامان جامعه و زندگی اجتماعی را در نظامی می‌بیند که اقشار و کارکردهای آنان، آن را به پیش می‌برد.

نظریه تضاد که در قرن نوزدهم با اندیشه‌های مارکس تبلور یافت، اساساً بر فرآیندهای اجتماعی تنش، رقابت و دگرگونی در جامعه متمرکز است. مارکس در قالب نظریه تضاد، معتقد بود در تمام جوامع بشری، همواره دو طبقه در برابر یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند. طبقه‌ای که مالک ابزار تولید بوده و طبقه‌ای که فاقد ابزار تولید بوده است (رابرتسون، ۱۳۷۴).

### ۳-۴. عدالت در مناسبات اجتماعی و حقوق طبیعی انسان‌ها

مطالعه گلستان و بوستان از توصیه و زنده‌های هشداردهنده شاعر به پادشاه یا حاکم نشان دارد که متوجه نقض آشکار حقوق طبیعی انسان است؛ در حکایت‌ها حقوقی از متهم، مغضوب یا خطاکار فرضی سلب می‌شود که عنصر وجودی موجود انسانی است.

منظور سعدی از مقابله فرد با پادشاه - هر اندازه هم دستاویز مجاز ادبی یا هنرنمایی باشد - معطوف به حکم ناعادلانه پادشاه یا امیر است. حکایت گلستان این امر را به روشن‌ترین وجه به نمایش می‌گذارد؛ این همان هشدار اخلاقی به نقض حقوق طبیعی انسان از جانب حاکم است. تأکید سعدی در حکایات خود بر نقض حقوق طبیعی در رفتار حاکم به معنای بی‌نشانی از «حقوق شهروندی» در برخی حکایت‌ها نیست؛ فرض بر آن است که رعایت هر گونه حقوق اجتماعی در این مورد، وابسته به وجود حقوق طبیعی انسان است. به عبارت دیگر حقوق طبیعی، شالوده‌ناگزیبر اعمال هر گونه حقوق اجتماعی است.

خواننده در جای‌جای حکایت‌های گلستان و در لابه‌لای رویدادها و کردار اشخاص احساس می‌کند که نوعی بوی حقوق مدنی و برابری اجتماعی به مشام می‌رسد که به مقابله با نابرابری پرداخته است. در داستان درویش صحرانشین که پادشاه از بی‌اعتنایی وی به خود به هم آمده است، او از درویش می‌شنود که: «توقع خدمت از کسی بدار که تمنای نعمت از تو دارد». سعدی در پایان باب هشتم گلستان این نکته را درج می‌کند که: «نصیحت پادشاهان کردن، کسی را مسلم بود که بیم سر ندارد یا امید زر».

کوتاه اینکه تربیت اجتماعی - سیاسی در بطن برخی حکایت‌های گلستان و بوستان وجود دارد. گفتمان اجتماعی در گلستان و بوستان غایتش حاکمیت عدالت در مناسبات اجتماعی است؛ جامعه‌ای که افراد در آن وسیله‌ای برای بازی حاکم نیستند، بلکه خودمختار و آزادند. برای سعدی، جهان اجتماعی، فضایی است که انسان در پرتو امکانات طبیعی،



استعدادهای خود را پرورش می‌دهد تا بتواند در همزیستی با مردمان، آن چیزی شود که باید بشود: «شهروندی همدل و همدرد به مصداق آنکه بنی‌آدم اعضای یکدیگرند».

### ۳-۵. حقوق بشر

با وجود اینکه سعدی دانش آموخته سنت کلامی و کلاسیک نظامیه بغداد است و این مکتب، متأثر از حوزه کلامی اشاعره است و کمتر به عقلانیت، تساهل، حقوق شهروندی توجه دارد، اما از آنجا که یک «شاعر» است در تنگنای ایدئولوژی و فرقه‌ای نمی‌گنجد و در دو اثر معروف خود «بوستان» و «گلستان» منادی عدل گسترده است؛ سعدی در همان آغاز گلستان مانیفست حقوق بشر خویش را اعلام می‌دارد و «گیر» و «ترسا» را محق «وظیفه‌خوری» و بهره‌مندی از نعمات خدا می‌داند:

ای کریمی که از خزانۀ غیب      گیر و ترسا وظیفه‌خور داری  
دوستان را کجا کنی محروم      تو که با دشمن این نظر داری؟  
(سعدی، ۱۳۶۸)

سعدی معتقد است عدالت خداوند، جهان شمول است و شهروندان به درجات گوناگون تقسیم نمی‌شوند. حتی اگر مرتکب «خطای منکر» نیز شده باشند: «باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده پرده ناموس بندگان را به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی خواران را به خطای منکر نبرد» (همان).

سعدی سعی بر این دارد که به حاکمان به گونه‌ای انتقاد کند تا از تضييع حقوق شهروندان دست بردارند و حاکم اگر بخواهد خوب حکومت کند، بهتر است با مردم در یک تعامل قرار گیرد، زیرا با این تعامل منطقی، هم رفاه و سعادت جامعه تأمین می‌شود و هم در غایت امر حاکم سود خواهد برد (مظاهری، ۱۳۸۷).

بنیان‌های فکری و حقوق شهروندی سعدی در سه اصل انسان، حق و عدالت و دولت استوار است. او بر آرمان‌هایی چون صلح، تساهل، عدالت و برابری حقوق انسانی تأکید می‌ورزد. درصدد خلق اندیشه‌های نوین است، به مصلحت عمومی می‌اندیشد و از وابستگی

و تکیه به طبقه خاص اجتماعی می‌گردد و براساس باورهای هر گروه، درصدد عرضه شیوه نوین زندگی، توأم با مسالمت و به‌زیستی است. نکته قابل توجه در مورد حقوق شهروندی از دیدگاه سعدی نشانگر آن است که وی به دور از یک‌جانبه‌نگری همه مسائل اجتماعی را زنجیره‌وار در کنار هم می‌بیند و برای حل معضلات هر بخش، راهکارهای خاص خویش را ارائه می‌کند. نکته قابل تأمل دیگر اینکه سعدی به دنبال خلق انسانی تک‌بعدی یا انکار برخی از ابعاد وجود آدمی نیست. او انسان را موجودی چندبعدی و دارای نیازهای متنوع می‌داند که باید با به رسمیت شناختن تمامی جنبه‌های جسمانی و روحانی وجود وی با احترام به این نیازها، برنامه و طراحی برای سعادت او ارائه کرد، نه از راه انکار و سرکوب برخی از این نیازها؛ از این رو است که در دنیای سعدی در کنار طرح گسترده دینی، اخلاقی و تعلیمی، حقوق شهروندی نیز جایگاهی ویژه و برجسته دارد.

### ۳-۶. تأمین امنیت اجتماعی مردم

امنیت از نیازهای اساسی بشر است به طوری که بدون برخورداری از آن، اهداف دیگر بشر مانند عدالت، آزادی، رشد و پیشرفت علمی و معنوی به دست نمی‌آید. حاکم باید علاوه بر تأمین رفاه، آسایش، تأمین حقوق، آزادی، مایحتاج اولیه افراد، امنیت جانی، مالی و سیاسی مردم را فراهم کند. بدون شک، تأمین امنیت مردم به طور کامل تنها از عهده حکومت بر می‌آید، چون از قدرت و توان کافی و لازم برای آن برخوردار است. شیخ شیراز می‌داند که رشد و تعالی انسان، تنها در سایه امنیت اجتماعی تحقق می‌یابد. از این رو، در جای جای بوستان و گلستان به این امر حیاتی اشاره می‌کند. سعدی برای برقراری امنیت از حاکم می‌خواهد که به راحتی در دسترس مردم و رعیت باشد و آنان بتوانند بدون موانع با حاکم سخن بگویند.

تو کی بشنوی ناله دادخواه	به کیوان برت کله‌ی خوابگاه؟
چنان خسب که اید فغانت به گوش	اگر دادخواهی برآرد خروش
که نالد ز ظالم که در دور دست؟	که هر جور کو می‌کند جور توست

(مظاهری، ۱۳۸۷)

در طول تاریخ کمترین چشم داشت مردم از حکومت‌ها، برقراری امنیت فردی و اجتماعی بوده است. اگر در تأمین امنیت و آسایش جامعه سودی باشد، تنها نصیب مردم نیست، بلکه حکومت بیش از مردم از آن بهره می‌برد؛ بنابراین، سعدی از پادشاه می‌خواهد که دست کم به خاطر خود، مال و جان رعیت را پاس دارد؛ از جمله:

رعیت نشاید به بیداد کشت      که مر سلطنت را پناهند و پشت  
مراعات دهقان کن از بهر خویش      که مزدور خوشدل کند کار بیش  
(مظاهری، ۱۳۸۷)

### ۳-۷. نوع دوستی و اومانیسیم سعدی

سعدی نوع دوستی را سبب ایجاد احساس هویت انسانی می‌داند، همین امر از پایه‌های عمده اعتدال اجتماعی در جامعه است. وی می‌کوشد افراد جامعه را در جهت رفع نیازهای اجتماعی و فردی ترغیب کند و با بهره‌گیری از گفته‌های ترغیب و تشویق، حس مسئولیت‌پذیری را در بین اعضای جامعه تقویت سازد. او با در کنار هم نهادن گفته‌های انسانی در کنار گفته‌های مذهبی و با بهره‌گیری از شیوه کلامی خاص می‌کوشد بار معنایی خدمت را که در ساختار فکری جامعه عصر او چیزی جز بندگی اربابان قدرت نبود به بندگی خالق تغییر دهد. همچنین سعی می‌کند ساختار پیوند بین انسان‌ها را به پیوند طبیعی و ارتباط سالم مبتنی بر عشق‌ورزی به هموعان، ارتقا دهد.

سعدی نشان داد که «اگر رابطه انسان با انسان دیگر به صورت وابستگی و تمکین باشد، سبب از دست رفتن استدلال و شخصیت فردی خواهد شد و درد و رنج او را در پی خواهد داشت، اما اگر این رابطه به صورت عشق‌ورزی و همدلی باشد، انسان‌ها از این رابطه، احساس لذت خواهند کرد، خود را در کنار دیگران خواهند دید و احساس شخصیت و استقلال می‌کنند» (فروم<sup>۱</sup>، ۱۳۸۵).

سعدی مانند اریک فروم بر این باور است که انسان برای رهایی از آلام و پریشانی و رسیدن به ایمنی و آرامش باید به توسعه و رشد خرد و عشق در جامعه کمک کند و با نوع دوستی و به کار گرفتن جهان طبیعی، اجتماعی به طریق انسانی، روز به روز به

سوی قله‌های رفیع انسانی گام بردارد (همان) و بدون در نظر گرفتن رنگ، نژاد و عقیده با تمام وجود به ممنوع خود خدمت کند تا خداوند نیز او را به سبب خدمتش به خلق ببخشد و در روز جزا بر او سخت نگیرد.

تو با خلق سهلی کن ای نیکبخت      که فردا نگیرد خدا بر تو سخت  
(سعدی، ۱۳۶۸)

سعدی با استفاده از تمام ابزارها و شگردهای کلامی و بهره‌گیری از آموزه‌های انسان‌مدارانه می‌خواهد به جامعه بشری این نکته را تفهیم کند که نیازی به رنجش همدیگر نیست و تا آنجا که مقدور است باید در رفع نیاز و آلام بشری کوشید.

بنی‌آدم اعضای یکدیگرند      که در آفرینش زیک گوهرند  
چو عضوی به درد آورد روزگار      دگر عضوها را نماند قرار  
(سعدی، ۱۳۶۸)

طریقت بجز خدمت خلق نیست      به تسبیح و سبجاده و دلق نیست  
(سعدی، ۱۳۶۹)

سعدی با به رسمیت شناختن انسان و هویت‌بخشی به او در آثارش، سعی در برقراری اعتدال اجتماعی در جامعه داشت و از این رهگذر گام اساسی در خصوص ارتقای فرهنگ انسانی و گسترش احساس فردیت و هویت و وصف واقعیت احساس و عاطفه اجتماعی مردم برداشت (عبادیان، ۱۳۷۲).

از پررنگ‌ترین و پربسامدترین موضوعاتی که در زمینه فرهنگی و اجتماعی گلستان و بوستان و دیگر آثار سعدی، سعدی پژوهان به آن پرداخته‌اند؛ سعدی اومانیسم است. که در ادامه به نگاه چند تن از سعدی پژوهان داخلی و خارجی را در این زمینه پرداخته شده است. اومانیسم یک مکتب اعتقادی و فلسفی است که در دوره رنسانس اروپا شکل گرفته است. این مکتب اصالت انسان را در برابر اصالت خدا یا طبیعت و یا هر چیز دیگر قرار می‌داد و تا اندازه‌ای واکنشی بود در برابر استبداد کلیسا. جوهره اومانیسم «دریافت تازه و مهمی از شأن انسان به عنوان موجودی معقول و جدا از مقدرات الهیاتی بود. اومانیسم در

زبان فارسی به درست به «انسان‌گرایی» ترجمه شده که مفهومی بس متفاوت از «انسان‌دوستی» دارد که نشانه‌های آن در آثار کلاسیک فارسی به طور جسته و گریخته می‌توان پیدا کرد (درگاهی، ۱۳۸۷).

اندیشه انسان‌گرایی و اومانیزم در مفهوم اصلی و غربی آن در ادبیات فارسی و اندیشه سنتی راه نیافته است و نوع شرقی و ایرانی آن نیز به گمان من تنها در آراء سعدی دیده می‌شود و اما در دوره معاصر و در آثار برخی از شاعران نیمایی می‌توان نشانه‌هایی از انسان‌گرایی را نشان داد که اوج آن در شعر و اندیشه شاملو است. عرفان تنها مکتبی است که نوعی اومانیزم و انسان‌گرایی دقیق را طراحی و تبیین و دل‌انگیزترین ستایش‌ها را نثار انسان کرده است. با این وصف، اعتبار انسان در عرفان و تصوف بالا‌صالحه نیست، بلکه به دلیل نیابت او از معبود عارفان است. سعدی جدی‌ترین و اندیشیده‌ترین شکل انسان‌گرایی در ادوار سنتی ادبیات فارسی را ارائه کرده است. انسان‌گرایی سعدی از حد شفقت و دلسوزی‌های شاعران و اندیشمندان دیگر در گذشته و تبدیل به دغدغه‌های دل‌مشغولی و حتی هستی‌شناسی شده است. شالوده‌های انسان‌گرایی سعدی: ۱- عبور از مرزها و محدودیت‌های نژادی و اعتقادی و اندیشیدن به همه انسانیت، ۲- تفسیر دین یا شریعت به سود انسانیت و ۳- تعطیل طریقت به سود انسان است (درگاهی، ۱۳۸۷).

صوفی از صومعه گو خیمه بز ن بر گل‌زار  
که نه وقت است که خانه‌نشینی بی‌کار  
(سعدی، ۱۳۶۹: قصاید)

اومانیزم سعدی چیزی است متفاوت از آنچه در دوره رنسانس اروپا تکوین یافت و از آن پس در اندیشه و فرهنگ غرب گسترش پیدا کرد؛ زیرا سعدی در هر حال یک اندیشمند شرقی و به‌ویژه یک دین‌دار پای‌بند شریعت است و در نتیجه او، انسان را تنها در محدوده‌های مجاز شریعت و یا مصلحت کار حکومت، اصالت و اعتبار می‌دهد و از آنجا که حکم شریعت یا صلاح حکومت با زندگی و حیات انسانی اصطکاک پیدا کند، سعدی در فتوی به کشتن آن انسان تردیدی نمی‌کند.

نه بر حکم شرع آب خوردن رواست و گرخون به فتوی بریزی رواست  
کرا شرع فتوی دهد بر هلاک الا تا نداری به کشتنش باک  
(سعدی، ۱۳۶۹)

سعدی هم مرد درشتی است و هم نرم‌خویی و هریک از این دو سیرت را در جایی  
کارآمد می‌داند که آن دیگری کارآمد نیست (همان):

درشتی و نرمی به هم در به است چو رگ زن که جراح و مرهم نه است  
(سعدی، ۱۳۶۹)

بشردوستی و شفقت به هم‌نوع از موضوعات مهمی است که سید محمد تقفی در مقاله  
خود تحت عنوان «نگاهی به اندیشه‌های اجتماعی و سجایای اخلاقی سعدی پرداخته است و  
می‌گوید: «اندیشه‌های بشردوستانه سعدی که از فروغ انسانیت آکنده است، متأثر از اصول  
اخلاقی و تربیتی مکتبی است که از دیدگاه پیشوایان آن، جامعه انسانی به مثابه پیکره‌ای  
واحد است» (تقفی، ۱۳۷۵).

سعدی در عصر وحشت و قتل و غارت دغدغه انسانیت را به دوش می‌کشد. او خود  
تمامی مضامین و ابعاد انسانیت را به فراست دریافته است. از تاریخ سرزمین خویش نیز آگاه  
است، تمدنش را فخر می‌نهد و بر آنچه از دست می‌رود و به واسطه یاغی‌گران به یغما  
می‌رود، اندوهگین است. او مرد علم است و حکمت. به مدد اندیشه خویش به حراست از  
انسانیت برمی‌خیزد، کلام همیشه جاودان انسانی خویش را در گوش جان‌ها زمزمه می‌کند  
تا سرلوحه باور و کردار جهانیان شود (کمالی سروستانی، ۱۳۷۷).

بنی‌آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند  
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار  
(سعدی، ۱۳۶۸)

در میان مردمان، کلامش همانند کلام رسول مهری است که چیزی جز نیک سرانجامی آدمیان و نیک زیستی آنان نمی‌خواهد. او به رستگاری نسل بشریت می‌اندیشد (کمالی سروستانی، ۱۳۷۷).

سخنی به گراف نیست اگر بگوییم که سعدی مهم‌ترین یا یکی از مهم‌ترین شعرا و نویسندگانی است که مطالب مربوط به مردم و جامعه عصر خود را با علم و اطلاع از انسان و حیات اجتماعی طرح کرده و اعمال و رفتار و پسندهای اجتماعی را - چنان که خود می‌پسندیده - به دست داده است و در این راه کمتر به پیشداوری و خیال‌پردازی و تعصب روی آورده (ناصر، ۱۳۶۴).

میان دو کس جنگ چون آتش است سخن چین بدبخت هیزم کش است  
(سعدی، ۱۳۶۸)

با ایمان راسخ می‌توان گفت که در هیچ یک از آثار منظوم و منثور جهان از انسان به حدی که سعدی بزرگ از وی به نام «آدمی»، «خلق»، «انسان» نام برده، یاد نشده است. این رو، می‌توان باور داشت که وی از پیشگامان انسان‌گرایی نه در ایران بلکه در جهان است. اگر قدیمی‌ترین انسان‌گرای اروپا را پترارک<sup>۱</sup> بدانیم، سعدی نزدیک به یک قرن پیش از وی می‌زیسته و با اعلام و آموزش انسان‌گرایی مشروط و مردمی در تاریخ این اندیشه، قدیمی‌ترین سابقه را پدید آورده است (مهمید، ۱۳۵۷).

انسان‌های اجتماعی و اجتماعات انسانی، همانند اعضای یک پیکرند؛ آسیب‌دیدگی عضوی از این اندام، آسیب‌دیدگی و مایه رنج تمام اعضای این پیکر است. شرکت در غم و اندوه دیگران، اساساً از شرایط «آدمیت» است. به همان نسبت که فرد به جامعه و مصالح مردم و بهبود و تعالی انسان‌ها و اجتماعات علاقه‌مند است، انسان است، انسان در مفهوم والای کلمه (ترابی، ۱۳۷۶).

در اندیشه دردمندان بودن، در آلام و مصائب به داد دل مصیبت‌زدگان، تنگدستان، درماندگان، یتیمان و بی‌دادرسان و بی‌کسان رسیدن و دیگر وظایف اخلاقی و اجتماعی و

---

1- Petrarca, F.

انسانی موضوع‌های بس مهمی هستند که سعدی از تأکید بر آن‌ها هرگز باز نمی‌ایستد (همان).

شرح «انسان‌دوستی سعدی» اگر از دید جامعه‌شناسان کنونی به جهان‌بینی سعدی بنگریم، او را یک «تن‌واره‌گرای اجتماعی»<sup>۱</sup> می‌یابیم. بدین ترتیب که همه افراد آدمی را اعضای یک واقعیتهی به نام نوع‌شان می‌شمرد و برای هر یک حق زیستن و آزادی و ترقی قائل می‌شود... (یوسفیان، ۱۳۵۷).

### ۳-۸. محورهای اصلی بهره‌برداری‌های پژوهشگران در بخش اجتماعی

- عدالت اجتماعی
- بررسی حقوق اجتماعی و حقوق شهروندی انسان
- تحلیل‌های مدیریتی
- بررسی و تطبیق اندیشه سعدی با آرای جامعه‌شناسان قرن حاضر
- رهیافت‌های اجتماعی و کارکرد آن برای جوانان و نسل امروز
- تفاوت و تقابل نسل‌ها
- توجه به منافع انسانی
- بررسی هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی
- حرمت نهادن به معلم و بزرگ‌تر: گاهی اوقات این معلمین شایسته احترام در جامعه سعدی دوستانی هستند که عیوب را به بهترین وجه گوشزد می‌کنند. یا در برخی حکایت‌ها نقش معلم به عنوان یک مصلح است.
- ریاستیزی سعدی: سعدی در گلستان به زیبایی هر چه تمام‌تر پرده از روی ریاکاران برمی‌دارد و چهره واقعی آنان را نشان می‌دهد. بسیاری از اسامی که سعدی برای باب‌های کتاب گلستان و بوستان خود برگزیده است در حقیقت ارزش‌ها و هنجارهایی هستند که وی به عنوان مبلغی بزرگ قصد دارد آن‌ها را رواج دهد. باب‌هایی مثل «درفضیلت قناعت»، «در فواید خاموشی» و...
- توجه به اصالت خانوادگی به عنوان یک هنجار اجتماعی
- تعادل در برخورد



- حسن تدبیر و نتیجه عدم عاقبت‌نگری
- نگرش سعدی به علم و عمل (سعدی عمل به علم را از علم‌آموزی و سخنوری مهم‌تر می‌داند).
- صفت تواضع به عنوان یک فضیلت انسانی
- ارزش سخن گفتن و به جا سخن گفتن
- نوع دوستی با رویکردی انسان‌مدارانه
- رفق و مدارا
- قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی
- پیش‌مبندی بر نقش تعیین‌کننده جامعه و شرایط تربیتی و محیطی در تکوین شخصیت افراد
- اعتباری بودن بعضی از ارزش‌ها و قضاوت‌ها به دلیل اختلاف

### بحث و نتیجه‌گیری

سعدی با در نظر گرفتن ویژگی قشرهای اجتماعی افراد و نیز شئون اجتماعی آنان که همانا وضعیت زیست فرهنگی آنان است به هدایت آنان و پند و اندرزدهی آنان می‌پردازد. او پیوسته بر آن است تا سلاطین و پادشاهان را بدین نکته یادآور شود که حقوق تام و مصالح‌ناپذیر انسانی پیوسته در برابر مصالح دولتی و سیاسی ارجحیت دارد. او معتقد است که تضمین سلامت و امنیت فردی در جامعه تنها در صورتی امکان‌پذیر است که منشأ و صاحب قدرت سیاسی، به حفظ و حراست از حقوق افراد جامعه توجه نموده بدان عمل نماید.

سعدی ضمن توجه به تضاد در جامعه که ریشه در قدرت اقتصادی و سیاسی دارد و یادآور نظریه‌های مارکس و بر است، زندگی اقشار را با توجه به اخلاق، ممکن و میسر دیده است و به همین سبب، جایگاه انسان در ذهن سعدی سبب توجه او به اقشار مختلف اجتماعی شده است. همین‌طور داشتن روحیه مسالمت‌آمیز و تطبیق دادن خود با شرایط موجود همسو با نظریه کارکردگرایی پارسونز است.

پررنگ‌ترین مسائل اجتماعی مورد تأکید سعدی پژوهان بررسی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی، اخلاقی و رفتاری است. همین‌طور تأکید بر عدالت اجتماعی،

بررسی حقوق اجتماعی و حقوق شهروندی انسان و رفق و مدارا از قواعدی است که بسیار مورد استفاده سعدی بوده است.  
سعدی یکی از نخستین پیشوایان بزرگ مکتب انسان دوستی، مردم گرایی و اومانیسیم در جهان است.

## تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

## ORCID

Abdollah Gholianaskari  
Gholamreza Mastealiparsa



<https://orcid.org/0000-0003-2252-5556>  
<https://orcid.org/0000-0003-4402-6889>

## منابع

- ترابی، علی اکبر. (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی در ادبیات*. چ اول. تبریز: انتشارات فروغ آزادی.
- ثقفی، سیدمحمد. (۱۳۷۵). *نگاهی به اندیشه‌های اجتماعی و سجایای اخلاقی سعدی*. مشکوه، (۵۱)، ۱۱۱-۱۲۸.
- جمالزاده، محمدعلی. (۱۳۶۴). *واقع گرایی سعدی*. *ایران نامه*، ۳(۴)، ۶۹۴-۶۹۹.
- چیتامبار، جی بی. (۱۳۷۳). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی*. ترجمه احمد حجاران و مصطفی ازکیا. تهران: نی.
- خدابنده‌لو، سعید. (۱۳۷۲). *جامعه‌شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی*. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- خزائلی، محمد. (۱۳۶۳). *شرح گلستان*. چ پنجم. تهران: انتشارات جاویدان.
- درگاهی، محمود. (۱۳۸۷). *اومانیسیم سعدی*. رودکی، (۲۵ و ۲۶)، ۲۵-۱۸.
- رابرتسون، یان. (۱۳۷۴). *درآمدی بر جامعه*. ترجمه حسین بهروان. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۰). *آناتومی جامعه*. چ دوم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ریترز، جورج. (۱۳۹۲). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن محلاتی. چ چهاردهم. تهران: علمی.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۳). *با کاروان حله*. چ ششم. تهران: انتشارات علمی.
- سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین. (۱۳۶۸). *گلستان*. تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). *بوستان*. تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.

- عبادیان، محمود. (۱۳۷۲). *تکوین غزل و نقش سعدی*. تهران: هوش و ابتکار فروم، اریک. (۱۳۸۵). *جامعه‌سالم*. ترجمه اکبر تبریزی. تهران: بهجت کمالی سروستانی، کوروش. (۱۳۷۷). *سعدی‌شناسی*. شیراز: دانشنامه فارس. کوثری، مسعود. (۱۳۷۹). *تأملاتی در جامعه‌شناسی ادبیات*. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران. کوئن، بورس. (۱۳۷۹). *درآمدی به جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. چ هفتم. تهران: نشر توتیا. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی. مظاهری، نورعلی. (۱۳۸۷). *حقوق شهروندی از دیدگاه سعدی*. تهران: ماهنامه کانون. مهמיד، محمدعلی. (۱۳۵۷). *آرمان‌گرایی در شعر پارسی، برگرفته شده از کتاب «ده شب» به کوشش ناصر مؤذن*. تهران: امیر کبیر. ۳۳۱-۳۴۵.

## References

- Chitambar, J. B. (1994). *An Introduction to Sociology*. Translated by Ahmad Hajjarian and Mostafa Azkia. Tehran: Ney Publication.
- Dargahi, M. (2008). *Humanism of Saadi, Publication of Roudaki*. (26 & 25).18-25. [In Persian]
- Ebadian, M. (1993). *Development of the Lyric Poems (odes) and the Role of Saadi*. Tehran: The Publication of Hoosh and Ebtekar. [In Persian]
- From, E. (2006). *The Healthy Society*. Translated by Akbar Tabrizi. Tehran: Bahjat Publication.
- Gidenz, A. (2007). *Sociology*. Translated by Hassan Chavoshian. Tehran: Publication of the Ney.
- Jamalzadeh, M. A. (1985). *Realism of Saadi. Publication of Iran-Nameh*. 3(12). 69-649. [In Persian]
- Kamali-E- Sarvestani. K. (1998). *Identifying the Saadi (Saadiology)*. Shiraz: The Encyclopedia of Fars. [In Persian]
- Khazaeli, M. (1984). *Interpretation of Golistan*. The Fifth Edition. Theran: Publication of Javidan. [In Persian]
- KhodaBandehlou, S. (1993). *Sociology of Stratum and The Social Inequality*. Mashhad: Publication of Jihad-e- Daneshgahi. [In Persian]
- Koenig, B. (2000). *An Introduction to the Sociology*. Translated by Saladi. The Seventh Edition. Tehran: Toutia Publication. [In Persian]
- Kosari, M. (2000). *Ponderings Over Sociology of Literature*. Tehran: The Centre for Recognition of Islam and Iran. [In Persian]
- Mahmid, M. A. (1987). *Idealism in the Persian Poems*. Recitation from the Book 'the Ten Nights'. Righteous Nasser Moazzen. Tehran: Amir Kabir Publication. 331-345. [In Persian]
- Mazaheri, N. (2008). *Civil Rights from the View Points of Saadi*. Tehran: The Kanoun Monthly Journal. [In Persian]
- RafiPour, F. (2001). *Anatomy of the Society*. The Sixth Edition. Tehran: Joint-Stock Company of Enteshar. [In Persian]
- Robertson, Y. (1995). *An Introduction to Society*. Translated by Hossein Behravan. Mashhad: Publication of Astan-e-Ghods-e- Razavi. [In Persian]

- Saadi Shirazi, Sh. M. (2002). *Bostan*. Reviewed by Gholam Hossein Yousefi. Tehran: Kharazmi Publication. [In Persian]
- \_\_\_\_\_. (1989). *Golistan*. Reviewed by Gholam Hossein Yousefi. Tehran: Kharazmi Publication. [In Persian]
- Saghafi, S. M. (1996). A Look to the Social Thoughts and the Ethical Characters of Saadi. *Madhkouh Publication*. (51). 111-128. [In Persian]
- Torabi, A. (1997). *Sociology in the Literature*. The First Edition. Tabriz: Forugh-E-Azadi Publication. [In Persian]
- Writers, J. (2013). *The Theory of Sociology in the Modern Times*. Translated by Mohsen Mahallati. The Publication of Scientific. Tehran: The Fourteen Edition. [In Persian]
- Zarrin-Koub, A. (1994). *With the Caravan of The Holleh*. The Sixth Edition. Tehran: The Publication of Scientific. [In Persian]

